

A Conceptual and Exemplary Re-examination of Intellectual Property (Challenges and Organization of Its Characteristics and Types in the Light of Jurisprudence and Comparative Law)

 **Hasan Ghasemi**

Student at Azad University of Sciences and Research.Tehran. iran
hghasemi1962@gmail.com

 **Asghar Arabian**

Associate Prof, Department of Fiqh & law, Faculty of Law,
Theology and Political Science, Islamic Azad University, Science
and Research Branch. Tehran .iran (Corresponding author)
a.arabian@iau.ac.ir



Abstract

There is no consensus regarding the concept of intellectual property in Iranian law. It appears that intellectual property is a type of rational credit relationship between the owner of an intellectual work and that work; provided that the work has customary pecuniary value, is attributable to a person, and is lawful. Through this relationship, the person can, within legal limits, manage and benefit from the work, whether he created the work directly or indirectly, or whether the work has been transferred to him. The general elements of this ownership include: the existence of the intellectual work, its customary pecuniary value, the possibility of assigning it to a person, and the existence of a person who owns the intellectual work, whether the person created it himself or through others, or whether it was transferred to him. Intellectual property encompasses literary, artistic, and industrial rights.

Journal of Research and
Development in Private Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 4 | Fall 2025 Winter
2026
(Original Article)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/jpl.2025.2065576.1220

It gives rise to two types of rights : material (financial) rights and moral rights, each with its own characteristics. Some attributes of material rights, such as transfer ability, waive ability, time limitations, and spatial limitations, as well as the characteristics of moral rights, such as non-transferability and lack of time and space limitation. It poses challenges to the appearance of the principles and rules governing ownership in Islamic jurisprudence, which are logically consistent with these rules and principles. Therefore, there is a need to redefine and reorganize the categories and attributes of intellectual property and to align them with the nature of rights. Some contested attributes include : the temporary nature of ownership (limitation of time), spatial restrictions (limitation to specific locations)- that allocates legal protection to a specific location- and the non-transfer ability of certain rights within intellectual property.

Keywords: Attributes of Rights, Ownership, Intellectual property, Temporary Ownership, Material Rights, Moral Rights



بازپژوهی مفهومی و مصداقی مالکیت فکری (چالشها و ساماندهی اوصاف و اقسام آن در پرتو فقه و حقوق تطبیقی)

دانشجوی مقطع دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
chavoshiebrahim@gmail.com

حسن قاسمی

دانشیار گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
a.arabian@iaui.ac.ir

اصغر عربیان



چکیده

در رابطه با مفهوم مالکیت فکری در حقوق ایران اتفاق نظر وجود ندارد. به نظر می‌رسد، مالکیت فکری، نوعی رابطه اعتباری عقلایی بین دارنده یک اثر فکری و آن اثر است؛ مشروط بر اینکه آن اثر دارای مالکیت عرفی، قابل اختصاص به شخص و مشروع باشد که به موجب این رابطه، آن شخص می‌تواند در حدود قانون در آن تصرف و از منافع آن استفاده کند؛ اعم از این که مابشرتاً آن اثر را خلق کرده باشد یا بلاواسطه، یا این که آن اثر به او منتقل شده باشد. عناصر عمومی این مالکیت عبارت است از: وجود اثر فکری، مالیت عرفی آن، امکان اختصاص به شخص و وجود شخص دارنده اثر فکری، اعم از این که شخص خودش آن را ایجاد کرده یا از طریق دیگران آن را به وجود آورده باشد یا این که به او منتقل شده باشد. مالکیت فکری اعم از مالکیت ادبی و هنری و صنعتی است.

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jpl.2025.2065576.1220

مالکیت فکری منشاء دو حق مادی (مالی) و معنوی است که هرکدام اوصاف خاص خود را دارند. برخی از اوصاف حقوق مادی از قبیل؛ قابلیت نقل و انتقال، اسقاط، محدودیت زمانی و محدودیت مکانی، و نیز اوصاف حقوق معنوی از قبیل؛ غیر قابل انتقال بودن و عدم محدودیت به زمان و مکان، چالش هایی را با ظاهر اصول و قواعد حاکم بر مالکیت در فقه اسلامی شکل می دهد که بنای عقلا هم همراه با این قواعد و اصول، با این چالش ها هم نواست. بنا بر این ضرورت باز تعریف و سامان دهی مجدد اقسام و اوصاف مالکیت فکری، همچنین لزوم تطبیق با ماهیت حقوق را ایجاب می نماید. برخی اوصاف مورد چالش عبارتند از: موقت بودن مالکیت (عدم اطلاق زمانی)، شرط مکان (عدم اطلاق مکانی) - که حمایت قانونی را به مکان مشخص اختصاص می دهد و غیر قابل انتقال بودن برخی حقوق در حوزه مالکیت فکری.

کلیدواژه‌ها: مالکیت، اثر فکری، حقوق مادی، حقوق معنوی، مالکیت موقت، اوصاف حقوق

مقدمه

از آغاز زندگی بشر، تا دوران تکامل اولیه‌ای که به تولد مفاهیمی چون «مال، مالکیت، و...» منتهی شد، اعمال مالکیت و سلطه مالکانه انسان بر اشیاء، اموال و حتی افراد، تابع فرهنگ و عرف دوران مخصوص به خود است و هرچقدر زمان بگذرد، ممکن است مصادیق جدیدی از اموال ایجاد شود. مال و ثروت نقش مهمی در رفع نیازهای شخصی و اجتماعی دارند تا جایی که در آثار نویسندگان، سخن از نظم عمومی اقتصادی است. در قانون مدنی و سایر قوانین، مال تعریف نشده است. در فقه مال بدین گونه تعریف شده است: «المال ما یبذل بآزائه المال» یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مالی داده شود. این تعریف به دلیل متضمن دور بودن، مورد ایراد قرار گرفته است (محقق داماد، 1390، ص 111). برخی از بزرگان معتقدند که «از نظر حقوقی، به چیزی مال گویند که دارای دو شرط اساسی باشد: 1) مفید باشد و نیازی را بر آورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی؛ 2) قابل اختصاص به شخص یا ملت معین باشد» (کاتوزیان، 1398، ص 9). برخی دیگر نیز بر این باورند که منظور از مال، «آن چیزی است که قابل استفاده بوده و ارزش مبادله اقتصادی و داد و ستد داشته باشد» (صفایی، 1395، ص 141). جعفری لنگرودی برای شناسایی مال، وجود چند عنصر عمومی و اختصاصی را لازم دانسته‌اند.

ایشان، عناصر عمومی مال را پنج مورد بر شمرده‌اند: **اول** اینکه، قابلیت اختصاص به اشخاص را داشته باشد. **دوم**، قابل نقل و انتقال باشد. **سوم**، نفع داشته باشد. **چهارم**، نفع آن مشروع باشد و اینکه مال نباید حاکی باشد بلکه خودش باید مال باشد (جعفری لنگرودی، 1388، صص 37-42). به نظر می‌رسد، این تعاریف در واقع ارشاد به متفاهم عرفی هستند. از آنجا که در قوانین مال تعریف نشده است، بنابراین به نظر میرسد قانون‌گذار نظر به مفهوم عرفی مال داشته است (عرف لفظی) و از این جهت خود را فارغ از تعریف دانسته

است. به بیان دیگر، واژه «مال»، دارای حقیقت شرعی یا قانونی نیست و دارای حقیقت عرفیه است. دیدگاه برخی از فقها¹ نیز موید این نظر است (نراقی، 1417، ص 113).
دارایی در عرف، مفهومی نزدیک به مال دارد. این امر ناشی از تبادر یا کثرت استعمال واژه دارایی است. با وجود این، در اصطلاح حقوق مدنی، دارایی مفهومی اعم از مفهوم عرفی دارد و شامل بدهی هم می‌شود.

دارایی به این معنی مرکب از دو جزء است: جزو مثبت و جزو منفی. جزو مثبت دارایی در واقع همان اموال و حقوق مالی شخص هستند (صفایی، 1395، ص 141). در گذشته واژه «مال» ویژه کالای مادی بود. ولی پیشرفتهای زندگی کنونی به تدریج آن را از این معنای محدود و ابتدایی خارج کرد به نحوی که امروز به تمام عناصر گوناگون دارایی (مانند زمین، اموال منقول، مطالبات و حقوق مالی و حتی حق تألیف، حق اختراع و سرقفلی) هم مال می‌گویند (کاتوزیان، 1398، ص 9).

در قدیم حقوق مالی را به حقوق عینی و دینی تقسیم می‌کردند. در حال حاضر، بر اقسام حقوق مالی، قسم جدیدی اضافه شده است که قسیم حقوق عینی و شخصی است. به این حقوق جدید، حقوق فکری یا معنوی می‌گویند که خود دارای چند قسم است (صفایی، 1395، ص 142). به دارنده چنین حقی گفته می‌شود که او دارای مالکیت فکری است. به بیان دیگر، در طی قرون متمادی حقوق مالکیت فکری به مرور شکل گرفت و امروزه یکی

1 درعوائد الایام مرحوم نراقی آمده: «... معنای مالکیت و مالیت، و ملک و مال: معنایی عرفی یا لغوی است که شناخت آن متوقف بر توقیف شرع، و نه بر دلیل شرعی نیست، بلکه در آن باید به عرف و لغت رجوع کرد، همانطور که در سایر الفاظی که حقایق شرعی برای آنها ثابت نشده است، چنین است...»

مرحوم خوبی نیز در مصباح الفقاهه میفرماید: در عرف، مالیت از شیء انتزاع می‌شود به ملاحظه اینکه فی‌نفسه چیزی است که نوع بشر به آن تمایل دارد، و آن را برای استفاده در وقت نیاز ذخیره می‌کند، و در آن رقابت می‌کند، و در ازای آن چیزی از پول و غیره که مورد رغبت است، می‌پردازد. بیتاج، 2، صص 3-4

از به‌روزترین و مهمترین انواع مالکیت‌هاست که با جنبه‌های خاص فرهنگی، اجتماعی، تجاری و صنعتی در یک بستر حقوقی دچار تحول کاملتری می‌شود.

در رابطه با مالکیت فکری در ایران قوانینی وجود دارد. با وجود این، در این قوانین، تعریفی از مالکیت فکری به چشم نمی‌خورد و اقسام، ویژگی‌ها و عناصر سازنده آن به طور منسجم دسته‌بندی نشده یا به صورت پراکنده ذکر شده یا مسکوت مانده است. ضمن اینکه باری مالکیت فکری اوصاف و شرایطی در قوانین مختلف ذکر شده که برخی از آنها در تطبیق با مبانی فقهی و حقوقی حتی با بنای عقلا چالش‌هایی را ایجاد کرده‌اند از جمله: محدودیت‌های زمانی و مکانی در حقوق مادی فکری و

آنچه موضوع این نوشتار است، تبیین مالکیت فکری از جهت تعریف و عناصر مالکیت فکری و بررسی چالش‌های آن با اصول و قواعد مالکیت در فقه و نیز ارائه تعریف مقبول و رفع چالش‌هاست.

۲. مفهوم و عناصر مالکیت فکری

یکی از اجزای تمام علوم، مبادی آن است. گفته شده: مبادی به طور اجمال عبارت است از تعاریفات و تصدیقاتی که قبل از ورود به هر علم در مورد موضوعات و محمولات آن علم به عمل می‌آید، به نحوی که بدون تصور و تصدیق آنها ورود به آن علم شایسته نیست (محقق داماد ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱). امروزه حقوق مالکیت فکری یکی از شاخه‌های مهم علم حقوق محسوب می‌شود و لازمه‌ی درک مسائل آن، شناخت مفهوم مالکیت فکری است که مبادی این رشته محسوب می‌شود. با وجود این، برخی از محققان حقوق مالکیت فکری بر این باورند که هرچند تعریف مالکیت فکری راه را برای شناخت ابعاد مالکیت فکری، ماهیت آن، احکام مترتب بر آن و شناخت نظام‌های حقوقی هموار می‌سازد، ولی ارائه تعریف دقیق از مالکیت فکری ممکن نیست (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۲۳). به هر حال تعریف باید واجد

شرایط باشد از جمله اینکه تخصیص پذیر نباشد. برای تسهیل شناخت و احراز مالکیت فکری، ارائه عناصر سازنده آن ضروری است.

اصطلاح مالکیت فکری معادل «Intellectual property» می باشد از آنجا که واژه Intellectual property هم به معنای فکری، ذهنی و عقلانی و هم به معنای معنوی و نامحسوس و غیر مادی و واژه property، هم به معنای حق مالکیت و هم به معنای مال و شیء مورد معامله ترجمه می شود، لذا این عبارت به اموال غیر مادی، مالکیت غیرمادی، مالکیت معنوی، مالکیت ذهنی و مالکیت فکری ترجمه شده است (همان، 1387، ص 29).

اصطلاح حقوق فکری برای اولین بار در سال 1899 توسط یک حقوق دان بلژیکی به نام «پیکار» بکار رفت و از آن به عنوان «مالکیت های غیرمادی»، «حقوق بر اموال غیرمادی» و «حقوق جلب مشتری» نیز یاد شده است (صفایی، 1386، ص 69). در کتب حقوقی ما بیشتر از آن به عنوان «حقوق مالکیت معنوی» نام برده شده است (امامی 1371، ص 193). با وجود این، برخی از حقوقدانان اصطلاح «مالکیت فکری» را مناسب تشخیص داده و معتقدند که کلمه معنوی در لغت مقابل مادی و بیرونی است، در حالی که منشأ این حقوق، فکر و اندیشه و تعقل انسانها است. برخی دیگر، اصطلاح «حقوق مالکیت معنوی» را مناسبتر می دانند و معتقدند که همه موضوعات مالکیت‌های معنوی لزوماً در اثر فکر و اندیشه ایجاد نمی گردد؛ زیرا برخی از آنها تنها به لحاظ اینکه وجود مادی ندارند، در این مقوله جای می گیرند؛ مانند سرقتی (میرحسینی، 1384، ص 19).

در رابطه با مفهوم اصطلاحی مالکیت فکری یا معنوی اتفاق نظر وجود ندارد: برخی از حقوق دانان معتقدند: «حقوق معنوی حقوقی است که به صاحبان آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار را می دهد» (کاتوزیان، 1398، ص 24). برخی دیگر؛ مالکیت فکری را حقوقی می دانند که داخل در حقوق عینی و دینی نیستند و موضوع آنها شیء معین مادی نیست، بلکه فعالیت فکری و معنوی دارنده آنها است. این حقوق در برابر

همه قابل استنادند و نوعی حقوق انحصاری هستند (صفایی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۲). در تعریفی دیگر گفته شده: «مالکیت معنوی، عبارت است از حقوق انحصاری، اختصاصی و موقتی که به وسیله دولت، برای آفرینش های فکری و معنوی به آفریننده، مبتکر و مخترع اعطاء می گردد» (شمس ۱۳۸۲، ص ۲). واژه دولت در این تعریف روشن نیست؛ اگر مقصود، قوه مقننه باشد، لازمه ی تعریف این است که قانون، عنصر سازنده و موسس این نوع مالکیت است و این نوع از مالکیت یک امر خلاف قاعده است، در حالی که مالکیت یک امر عقلایی است.

یکی دیگر از تعاریفی که در مورد مالکیت فکری می توان بدان اشاره کرد، عبارت است از «رابطه ی خاص حقوقی پدیدآورنده ی اثر فکری با اثر خود که به موجب آن وی می تواند از آن بهره های اقتصادی یا معنوی ببرد» (شبییری، ۱۳۸۷، ص ۱۸). ایراد این تعریف مجمل بودن جنس تعریف است.

در تعریف دیگری آمده است: «حق مالکیت فکری عبارت است از رابطه ی حقوقی موجود بین اثر فکری یا آفریده ی ذهنی و پدیدآورنده آن که به موجب قانون، صاحب اثر حق بهره برداری مالی و معنوی از آن را پیدا می کند» (امامی، ۱۳۸۶ ج ۱، ص ۴۸۳). این تعریف جامع نیست؛ زیرا شخصی که از طریق دیگران یک اثر فکری را ایجاد کرده یا آن اثر به او منتقل شده را در بر نمی گیرد.

برخی اظهار می دارند؛ که حقوق مالکیت فکری، آن دسته از مخلوقات ذهنی انسان هستند که یک کشور برای حمایت از آنها، یک سری حقوق انحصاری را برای مدت زمان معین به منظور جلوگیری دیگران از بهره برداری غیرمجاز از این حقوق به افراد اعطا می کند (ذاکریان، ۱۳۸۱، ص ۲). به عبارت دیگر، حقوق مالکیت فکری نوعی سلیقه قانونی است که به موجب آن، صاحب حق می تواند از منافع و شکل خاصی از فعالیت یا اندیشه ابراز شده خود، به طور انحصاری استفاده نماید (نوروزی، ۱۳۸۱ ص ۱۹). ایراد این تعریف،

در این است که ظاهراً قانون را یکی از عناصر سازنده مالکیت فکری میدانند که اشکال آن گفته شد .

برخی دیگر این تعاریف را جامع ندانسته و سعی کرده اند یک تعریف جامع از حقوق مالکیت فکری ارائه بدهند بدین گونه که: « حقوق مالکیت فکری، عبارت است از حق بهره برداری مطلق و انحصاری برای شخص از آفریده های فکری خود، در زمینه های صنعتی، علمی، ادبی و هنری که دارای ارزش مادی و معنوی هستند» (اصغری آقمشهدی، 1391، ص 18). ایراد این تعریف در این است که جنس تعریف را حق بهره برداری مطلق و انحصاری قرار داده است؛ در حالی که این موارد، آثار و احکام مالکیت هستند، نه خود مالکیت .

در تعریفی گفته شده: «حقوق مالکیت فکری، حقوقی است که شخص نسبت به نتایج، یافته ها و آثار فکری خود دارد. حقوق مالکیت فکری قلمرو وسیعی دارد و شامل هر چیزی می شود که زاینده فکر و ذهن آدمی است . مخلوق ذهن و فکر ممکن است به حوزه علم، هنر، صنعت یا تجارت تعلق داشته باشد هر چند داشتن منشأ ذهنی، شرط قرار گرفتن در قلمرو حقوق مالکیت فکری است، ولی با وجود این، امروزه نظامهای مالکیت فکری از موضوعاتی که منشأ ذهنی ندارند یا به سختی می توان آنها را ناشی از فعالیت ذهن دانست نیز حمایت می کنند، مواردی مانند لیست مشتریان و بازارهای فروش محصول که تاجر بر اثر تجربه و ممارست کسب می نماید، یا شهرت و اعتباری که تاجر به واسطه عرضه کالاهای مرغوب، یا ارائه خدمات با کیفیت بالا به دست می آورد. بنابراین، نظام مالکیت فکری علاوه بر مخلوقات فکری، از دستاوردهای تجاری و صنعتی- هر چند که منشأ ذهنی نداشته باشند نیز حمایت می کند» (محمودی، 1391، ص 97).

طبق دیدگاه برخی دیگر، «حقوق مالکیت فکری، حقی است که شخص حقیقی و یا حقوقی مکتشف یا مبتکر یک ایده (فکر) علمی، هنری و یا ادبی نسبت به حاصل اندیشه و ابداع خود پیدا می کند و می تواند از حقوق و منافع آنی و یا جاری آن برخوردار گردد. این

حقوق به فرد ذیحق امکان میدهد که بر علیه هر نوع شبیه سازی و یا کپی برداری بدون مجوز در محاکم ملی و بین المللی طرح دعوی نماید» (مرادی، ۱۳۷۷، ص ۹۵).

ابوالیزید از محققان عرب، در رابطه با مفهوم مالکیت فکری می نویسد: «آنچه که انسان مالک آن می شود و این امر، محصول ذهنی است که از عقل بشری سرچشمه می گیرد، و حق انتفاع از آن را دارد ... و این محصول ذهنی، ممکن است علم یا فکر یا نوشته هایی باشد که مالک آن، آن را گفته است، که از قول وی یا یک نوآوری علمی است که با دانش و اندیشه خود ابداع کرده است. از مفهوم مالکیت فکری چیزی به دست می آید که حق ذهنی نامیده می شود، یعنی حق انتفاع از ثمره ذهن انسان و نتایج آن در همه زمینه ها، به شرطی که آنچه ذهن انسان تولید می کند، برای همه انسانها و انسانیت مفید باشد» (ابوالیزید، بی تا، ص ۱۸۳).

هر کدام از تعاریف ارائه شده رنگی از حقیقت را به همراه دارد. با وجود این، به نظر میرسد مالکیت فکری را می توان اینگونه تعریف کرد: «مالکیت فکری، نوعی رابطه اعتباری عقلایی بین صاحب یک اثر فکری و آن اثر است؛ مشروط بر اینکه آن اثر دارای مالیت عرفی، قابل اختصاص به شخص و مشروع باشد که به موجب این رابطه، آن شخص می تواند در حدود قانون در آن تصرف کند و از منافع آن برخوردار باشد؛ اعم از اینکه مباشرتاً آن اثر را خلق کرده باشد یا با واسطه، یا اینکه آن اثر به او منتقل شده باشد.» به نظر میرسد، عناصر عمومی مالکیت فکری را بتوان شامل موارد زیر دانست:

- ۱- وجود اثر فکری
- ۲- آن اثر فکری دارای مالیت عرفی باشد و امکان اختصاص به شخص را داشته باشد.
- ۳- شخصی که اثر فکری متعلق به او باشد؛ اعم از اینکه خودش آن را ایجاد کرده یا از طریق دیگران آن را به وجود آورده یا اینکه به او منتقل شده باشد.
- ۴- عقلاً امکان برقراری نوعی رابطه حقوقی بین شخص دارنده اثر فکری و آن اثر وجود داشته باشد.
- ۵- اثر فکری مذکور برخلاف قواعد آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد.

۳. اقسام مالکیت فکری

در حقوق ایران، مالکیت فکری را شامل مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی دانسته‌اند (خدمتگزار، 1390، صص 167-186). با وجود این، برخی از محققان عرب در مقام احصای اقسام حقوق مالکیت فکری، آن را شامل سه قسم عنوان کرده‌اند: 1- حقوق علمی، ادبی و فنی 2- حقوق مالکیت صنعتی 3- حقوق تجاری مانند: علامت تجاری، اسرار تجاری و نشانه‌های جغرافیایی (ابوالیزید، بی‌تا، صص 184-185). در حقوق ایران، حقوق تجاری مثل علامت تجاری و حق اختراع زیر مجموعه حقوق مالکیت صنعتی است (همان صص 167-170). به نظر می‌رسد، تقسیم‌بندی حقوق ایران قابل ایراد است؛ زیرا قدر متیقن از مالکیت صنعتی این است که اثر مزبور در صنعت کاربرد داشته باشد در حالی که ممکن است مصادیق حقوق تجاری در صنعت قابل استفاده نباشند، برای مثال، شخصی برای آموزش سریع کتاب انگلیسی، لغات آن را رمزگذاری و این اختراع خود را ثبت می‌کند. این حق اختراع در صنعت کاربردی ندارد. به نظر می‌رسد، نسبت بین حقوق تجاری و مالکیت صنعتی، عموم و خصوص من وجه است و گاهی در برخی مصادیق از یک دیگر متمایز هستند و حالت تباین دارند. در این موارد، اگر مشمول مالکیت ادبی و هنری نشوند، باید قسم سومی ایجاد کرد. به هر حال در تقسیم‌بندی باید به قواعد عمومی آن توجه کرد. گفته شده؛ در هر تقسیمی سه قاعده به عنوان قواعد عمومی لازم است: نخست، مقسم شامل هر یک از اقسام خود باشد. دوم، هر قسم، مابین قسم دیگر باشد و سوم اینکه، مقسم همواره در ضمن اقسام خود وجود داشته باشد (لنگرودی، 1387، صص 132-133). به هر حال، در این بند، به ترتیب: مالکیت ادبی و هنری، مالکیت صنعتی و مالکیت تجاری بررسی می‌شوند.

۳/۱. مالکیت ادبی و هنری

مفهوم حقوق مالکیت ادبی و هنری به نقل از آقای کورنو: «اصطلاحی است که از انحصار موقت بهره برداری مالی متعلق به هنرمند یا نویسنده نسبت به اثر او حکایت دارد. همچنین، در مفهوم وسیع کلمه، شامل تمامی حقوق مادی و غیرمادی شناخته شده برای پدیدآورنده یک اثر فکری است» (زرکلام، 1393، ص 5).

استاد صفایی در رابطه با تعریف مالکیت ادبی و هنری میفرماید: «مالکیت ادبی، عبارت است از حقی که برای مولف و مصنف نسبت به اثر خود شناخته شده اعم از اینکه اثر، جنبه علمی یا صرفاً ادبی داشته باشد. مالکیت هنری، عبارت از حق هنرمند نسبت به اثر خود او است» (1386 ص 70).

به نظر می‌رسد، تعریف اخیر به اعتبار شخص سازنده اثر است؛ در واقع اگر شخص مولف باشد، او نسبت به اثر خود دارای مالکیت ادبی است و اگر شخص هنرمند باشد، نسبت به اثر خود دارای مالکیت هنری است. با وجود این، این تعریف شامل مجریان یک اثر یا سایر همکاران محصولات فرهنگی نمی‌شود که از آن به حقوق مجاور تعبیر می‌شود و در حقوق فرانسه برخلاف کشورهای کامن لا، پذیرفته شده است (زرکلام 1393 صص 5-6).

در تعریف مالکیت ادبی می‌توان گفت: «حقی که مولف و مصنف بر اثر فکری خود - که دارای مالیت عرفی و اصیل و ابتکاری است - دارد و به موجب این حق، می‌تواند در حدود قانون در آن تصرف و از منافع آن استفاده کند اعم از اینکه مباحثرتاً آن اثر را خلق کرده باشد یا با واسطه، یا اینکه آن اثر به او منتقل شده باشد». همین تعریف عیناً در مالکیت هنری نیز صدق می‌کند.

۳/۲. مالکیت صنعتی

مالکیت صنعتی در نظام حقوقی ایران و بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشور مصر و فرانسه تعریف نشده است. به نظر می‌رسد علت عدم تعریف این نوع از مالکیت فکری در قوانین، تنوع موضوعات با اوصاف خاص هریک از آنها است به نحوی که ارائه تعریف، ممکن است جامع نباشد و همچنین آثار مطلوبی هم نداشته باشد؛ زیرا تحولات جامعه ممکن است یک اثر فکری از نوع صنعتی را ایجاد کند در حالی که تعریف سابق بر وجود این اثر، شامل آن نشود. علاوه بر این، در کنوانسیون های بین المللی نیز از جمله کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی (مورخ 20 مارس 1883 با آخرین تغییرات، مالکیت صنعتی تعریف نشده است (امامی 1396 ج 2 ص 36 به بعد).

برخی از محققان عربی معتقدند که اصطلاح مالکیت صنعتی، به هر زبانی که بیان شود، کافی نیست؛ زیرا واژه صنعت پیچیده است و این کلمه از صنعت مشتق شده است که ممکن است معنای مضیقی داشته باشد و مقابل مفهوم تجارت و اعمال استخراج قرار گیرد. در حالی که در معنای وسیع شامل این موارد هم می‌شود؛ زیرا متضمن تمام اعمال بشری است و با اشیاء مادی ملموس که با آن مرتبط است منطبق نیست. بر این مبنای، به جای واژه مالکیت صنعتی، واژه عامتری برگزیده شده که همان مالکیت فکری است (زین الدین 2011، صص 24-25). برخی دیگر از طریق مصادیق به تعریف آن پرداخته و گفته اند: حق خاص مخترع که شامل اختراعات و طراحی‌ها و الگوهای صنعتی و اطلاعات محرمانه صنعتی می‌شود (ابویزید، بیتا ص 184).

برخی از محققان در تعریف مالکیت صنعتی آورده اند: «مجموع حقوق و سلطه یا اقتداری که بر موضوعات مختلف صنعتی، نظیر اختراعات و هرگونه پدیده خلق شده ای که خصوصیات صنعتی یا تجاری داشته باشد، بار شود و به مالک آن حق دهد تا به طور انحصاری اما موقتی از آن بهره‌برداری کند» (امامی، 1396، ج 2، ص 36). از آنجا که مالکیت صنعتی قسمی از مالکیت معنوی یا فکری است؛ عبارت موضوعات مختلف صنعتی فراتر از این امر است و تعریف مزبور مانع نیست. از این گذشته، مالکیت صنعتی خود منشأ حقوق است نه اینکه حقوقی باشد که بر موضوعات مختلف صنعتی بار شود.

شرایط برخورداری آثار فکری در شاخه مالکیت صنعتی از حمایت قانون، طبق مواد 2، 4، 21 و 28 قانون ثبت اختراعات، عبارت است از «ثبت اثر، ابتکاری و اصیل بودن، جدید بودن، کاربرد صنعتی داشتن و عدم مغایرت با اخلاق حسنه و نظم عمومی» (اصغری آقمشهدی، 1391، ص 119). با وجود این، استثنائاتی نیز وجود دارد.

برخی محققان، شاخه های مالکیت صنعتی را تا شش مورد بر شمرده‌اند: حق اختراع، علائم تجاری و خدماتی، طرح‌های صنعتی، طرح‌های جانمایی، مدارهای یکپارچه، اسرار

تجاری و گونه های جدید گیاهی (خدمتگزار 1390 صص 167-186). ملاحظه می شود؛ برخی از این مصادیق، از سنخ مالکیت تجاری است.

از برآیند تعاریف فوق می توان مالکیت صنعتی را اینگونه تعریف کرد: «حقی است که شخص بر اثر فکری جدید، ابتکاری و اصیل خود - که عرفاً دارای مالیت باشد و مغایر با قواعد آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد و در زمینه صنعت کاربرد داشته باشد یا دارای خصوصیات صنعتی باشد- بدست آورده و به موجب این حق، شخص می تواند در حدود قانون در آن تصرف کند و از منافع آن برخوردار گردد، اعم از اینکه مباشرتاً آن اثر را خلق کرده باشد یا با واسطه، یا اینکه آن اثر به او منتقل شده باشد».

از آنجا که برخی مصادیق مالکیت صنعتی نیاز به ثبت ندارد و از سوی دیگر تعریف باید از تخصیص ابا داشته باشد و ثبت، شرط حمایت از اثر است نه عنصر سازنده مالکیت صنعتی، لزوم ثبت در تعریف مذکور آورده نشده است.

۳/۳. مالکیت تجاری

با توجه به ایراداتی که در رابطه با تقسیم بندی مالکیت فکری گفته شد، و با عنایت به اینکه برخی از محققان، آن چنان که گذشت، مالکیت تجاری را قسیم مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی می دانند و به نظر می رسد این امر درست باشد، در نتیجه لازم است که مالکیت تجاری تعریف شود.

در تعریف مالکیت تجاری گفته شده: «وهی مال للتاجر من حق علی محله التاجر كالعلامات التجارية والأسرار التجارية والمؤشرات الجغرافية» یعنی: حقوقی که برای تاجر در محل کارش وجود دارد، شامل علائم تجاری، اسرار تجاری و نشانه های جغرافیایی است (ابویزید، بیتا، ص 185). دکتر سنهوری نیز در کتاب الوسیط معتقدند که موضوع مالکیت تجاری ممکن است مادی باشد، مانند: کالاها، یا اینکه معنوی باشد، مانند: اسم تجاری،

عنوان تجاری و ... این موارد در قانون تجارت بررسی می‌شوند (سنه‌وری ج 8 بیتا، ص 276). این نظر مستلزم این است که مالکیت تجاری از لحاظ موضوع، اعم از مالکیت فکری باشد. در جمع بندی می‌توان مالکیت فکری از نوع تجاری را این گونه تعریف کرد:

«حقی که تاجر بر یک اثر فکری جدید، ابتکاری، اصیل و دارای مالیت عرفی دارد و بر اساس آن به تجارت می‌پردازد و این حق مغایر با قواعد آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه نیست و تاجر می‌تواند در حدود قانون در آن تصرف کند و از منافع آن برخوردار گردد».

با وجود این، ممکن است برخی از مصادیق مالکیت تجاری مانند سرقتی و اسرار تجاری نوعی اثر فکری به حساب نیایند و از این جهت از تعریف خارج گردند. برای رفع این اشکال، دو راه حل قابل ارائه است: نخست، این مصادیق در حکم اثر فکری جدید تلقی شوند (به نحو حکومت)¹ و بعد از واژه «اثر فکری جدید» قید «و یا آنچه در حکم آن است» اضافه شود. راه حل دوم، اینکه این مصادیق حقیقتاً از مالکیت فکری خارج شود و نوعی مالکیت تجاری به معنای عام و غیرفکری تلقی گردد. راه حل دوم با اصطلاح مالکیت فکری سازگارتر است.

به هر حال، یکی از فواید تفکیک مالکیت تجاری از مالکیت صنعتی و .. این است که مقررات مالکیت فکری در حوزه تجارت، بهتر است در قانون تجارت لحاظ شود.

۴. اوصاف حقوق مالکیت فکری

حقوق شخصی² «اختیاراتی است که در حقوق نوعی (مقررات کلی) برای افراد در اشیاء یا نسبت به سایر افراد شناخته شده است» (لنگرودی، 1387 ص 75). این حقوق ممکن است مادی (مالی) باشد یا غیرمادی. حق مالی «امتیازی است که حقوق هر کشور، به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص، به آنها می‌دهد. این دسته از حقوق قابل مبادله و تقویم به

¹ - برای مطالعه بیشتر به مباحث حکومت و ورود در کتب اصول فقه مراجعه شود.

² Le Sujet de droit.

پول است مانند: حق مالکیت، حق انتفاع» (کاتوزیان، 1398، ص 12). همچنین حقوق غیرمالی یا غیرمادی، «امتیازی است که هدف آن رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی است. موضوع این حق، روابط غیرمالی اشخاص است، ارزش داد و ستد را ندارد و قابل ارزیابی به پول و مبادله با آن نیست مانند: حق زوجیت» (همان ص 11).

حقوق دارنده مال فکری را می‌توان در یک تقسیم بندی، شامل حقوق مادی (مالی یا اقتصادی) و معنوی دانست. این حقوق از آثار مالکیت فکری هستند و زمانی قابل تصورند که مالکیت فکری وجود داشته باشد:

۴/۱. اوصاف حقوق مادی (مالی یا اقتصادی)

حقوق مالکیت فکری دارای خصایص حقوق مالی نیز هست. مهمترین مصادیق این حقوق مالی^۱، حق نشر و تکثیر درقانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان (ماده ۳)، حق ترجمه (بند ۵ ماده ۵)، حق اقتباس و تلخیص و تبدیل (بندهای ۱ و ۶ از ماده ۵ و ماده ۱۹)، حق عرضه و اجراء (ماده ۳) و حق استفاده از پاداش و جایزه است (تبصره ماده ۱۳ همان قانون). این حقوق از جهت مالی بودن، تابع اوصاف عمومی حقوق مالی هستند. با وجود این، اوصاف اختصاصی نیز دارند. مجموع این اوصاف به شرح زیر است:

الف- قابلیت نقل و انتقال

گفته شده از تقسیمات مختلفی که از حق شده است، به نظر می‌رسد تقسیم مرحوم محقق نایینی از همه جامع تر است. به نظر ایشان، تمام اقسام حق قابل اسقاط است و آنچه محل بحث است قابلیت نقل یا انتقال آن به غیر است. از دیدگاه ایشان اقسام حقوق به شرح زیر است:

1 برای مطالعه بیشتر، ر.ک: صفایی، 1395، صص 258-261.

۱- حقوقی که فقط قابل اسقاط هستند، مثل حق قذف ۲- حقوق قابل اسقاط و نقل بلاعوض، مانند حق قسم ۳- حقوق قابل اسقاط و نقل اعم از تبرعی و معوض، مثل حق تحجیر ۴- حقوق قابل اسقاط و انتقال قهری و در عین حال غیر قابل نقل ارادی، مانند حق خیار که به وارث منتقل می‌شود، ولی به عقیده برخی فقها نقل آن به دیگری صحیح نیست» (محقق داماد، 1390، ص 18).

حقوق مالی دارنده مالکیت فکری، از آنجا که مالیت عرفی و عقلایی دارد، قابل نقل و انتقال اعم از قهری و ارادی است. از این جهت جزء دسته سوم تقسیم بندی مرحوم محقق نایینی است. از منظر قانونی نیز، ماده 5 قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، ماده 1 قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی، ماده 5 قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب 1386 (انتقال حقوق ناشی از اختراع ثبت شده) و ماده 579 قانون تجارت (انتقال اسم تجاری) دلالت بر وصف قابل نقل و انتقال بودن حقوق مالی یا مادی دارنده اثر فکری دارند. از لحاظ تطبیقی ماده 16 قانون حمایت از مالکیت ادبی و فنی لبنان نیز به این وصف اشاره کرده است.¹ در رابطه با روش انتقال، مقررات ایران ساکت است و از این جهت تابع قواعد عمومی است. در قانون برخی از کشورهای اسلامی مانند اردن (ماده 9 قانون قدیم حمایت از حقوق مولف) به صراحت ذکر شده که صاحب اثر از هر طریقی می‌تواند این حقوق را انتقال دهد. بنظر می‌رسد در حقوق ایران، حقوق مادی مولف در قالب ماده 10 قانون مدنی، عقد بیع، عقد صلح، وصیت و ارث و گاهی به حکم قانون (مانند صدور مجوزهای اجباری بهره‌برداری) بر حسب مورد قابل نقل و انتقال ارادی و قهری است (اصغری آقمشهدی، 1391، صص 87-96). با وجود این، در رابطه با انتقال از

1 «أن الحقوق المادية للمؤلف تعتبر حقاً منقولاً يمكن التفرغ عنه كلياً أو جزئياً». یعنی حقوق مادی مؤلف به عنوان حق قابل انتقال محسوب می‌شود که می‌توان به‌طور کلی یا جزئی از آن صرف‌نظر کرد. (محمد خلیل یوسف أبوبکر، 1429، ص 75).

طریق عقد بیع، اتفاق نظر وجود ندارد؛ برخی معتقدند؛ قابلیت انتقال این حقوق از طریق عقد بیع قوی تر است (کریمی و موسوی، ۱۳۹۰، صص ۷۳-۵۳).

ب- قابلیت اسقاط

«اسقاط حق» در فقه امامیه شکل یک قاعده فقهی به خود گرفته و معنی آن این است که هر صاحب حقی می‌تواند حق خود را اسقاط کند. شیخ اعظم انصاری (ره)، این قاعده را از مسلمات فقه دانسته است. مستندات این قاعده در فقه، برخی از آیات قرآن کریم، روایات و اجماع است (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۳۷). ظاهراً دلیل اصلی این قاعده، بنای عقلا است و مستندات فقهی ارشادی هستند. به بیان دیگر، قاعده اسقاط حق را شرع تأسیس نکرده است و قبل از اسلام هم وجود داشته است.

وصف قابل اسقاط بودن حقوق مادی صاحب اثر در قوانین مربوط به مالکیت فکری ذکر نشده لذا به نظر می‌رسد، این حق قابل اسقاط است و از این جهت تابع قواعد عمومی است. همچنان که قبلاً گفته شد، در تقسیم بندی مرحوم نایینی از حقوق، حقوق مادی مولف جزء قسم سوم است.

ج- محدودیت زمانی

در قانون مدنی مالکیت تعریف نشده و برخی از بزرگان از مواد پراکنده‌ای اوصاف آن را استخراج کرده و بر این اساس تعریفی از مالکیت ارائه کرده‌اند: از مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی به ترتیب: اوصاف مطلق بودن و انحصاری بودن را استنباط کرده‌اند. با وجود این، در رابطه با دائمی بودن مالکیت نص قانونی وجود ندارد. از آنجا که طبیعت حق مالکیت با موقتی بودن منافات دارد و از سوی دیگر، با فوت مالک، این حق به وراثت او می‌رسد، دائمی بودن مالکیت نیز بر این مبنا توجیه شده است. در نهایت این حقوق دانان، بعد از بررسی و تعیین محدوده اوصاف گفته شده، مالکیت را اینگونه تعریف کرده‌اند: «مالکیت حقی است دائمی، که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین، تصرف در مالی را به خود

اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند» (کاتوزیان، 1398، صص 105-110). با وجود این، از عبارات برخی حقوق دانان بر می آید که دائمی بودن مالکیت به اعیان اختصاص دارد؛ برای مثال، در تقسیم بندی حق گفته شده است: به حقی که بدون مدت است، حق دائم میگویند مانند حق مالکیت عین و حقی که مدت دار باشد، حق موقت نام دارد (لنگرودی، 1387، ص 77). برخی دیگر نیز بر این باورند که هرگاه کلمه مالکیت به طور مطلق به کار رود، حمل بر مالکیت عین می شود و آنچه در رابطه با مالکیت و اوصاف آن گفته شد، مربوط به مالکیت عین است و به نظر می رسد، استعمال لفظ مالکیت نسبت به اعیان از باب غلبه است و به معنای نفی شمول مالکیت نسبت به سایر حقوق مالی نیست. برای مثال، استعمال مالکیت منفعت برای مستأجر از باب حقیقت است نه مجاز. در فقه نیز مالکیت اختصاص به اعیان ندارد (صفایی، 1395، ص 192).

بنابراین، حقوق دارنده اثر فکری نیز باید اوصاف مالکیت را دارا باشد؛ زیرا با صدق مالکیت، اوصاف و آثار آن نیز باید بر آن بار شود. در نتیجه، این حق نیز باید دائمی و در حدود قانون به دارنده آن اختصاص یابد و او از آن انتفاع ببرد. فتوای برخی از مراجع عظام نیز موید این نظر است (آقمشهدی، 1391، ص 98). با وجود این، در قوانین مربوط به مالکیت فکری، مالکیت دارنده اثر فکری با محدودیت زمانی مواجه شده است: در قوانین ایران، مدت حمایت از مالکیت ادبی و هنری در کلیه موارد، موقت است از جمله در قوانین زیر:

- قانون اصلاح ماده (12) قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب (1389) در این قانون «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می شود از تاریخ مرگ پدیدآورنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می گیرد . تبصره: مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده 6 این قانون پنجاه سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود.

- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب 1352) بر اساس ماده 1 «حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم و یا وارث قانونی او است. مدت استفاده از این حقوق که به وارث منتقل می‌شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است. حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال‌گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قائم مقام انتقال‌دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود».

- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب 1379) در ماده ۱ این قانون مدت حمایت از حقوق مادی 30 سال است.

- قانون ثبت اختراعات. در ماده 16 قانون ثبت اختراعات مصوب (۱۳۸۶) مدت حمایت از حق اختراع، 20 سال از زمان تسلیم اظهارنامه است. همچنین مدت حمایت از علامت تجاری 10 سال از زمان تسلیم اظهارنامه ثبت آن است (ماده 40). علاوه بر این‌ها، مدت حمایت از طرح‌های صنعتی طبق بند «د» ماده 28 نیز 5 سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن است. با وجود این، در رابطه با اسم تجاری، مدتی معین نشده است و در این مورد به نظر می‌رسد باید به قاعده اولیه رجوع کرد و مدت حمایت آن را نامحدود دانست.

- در قانون لبنان هم مدت حمایت از حقوق مادی مولف برای بعد از فوت مولف، 50 سال است. مبدأ این مدت از تاریخ فوت محاسبه می‌شود. در رابطه با آثار مشترک، این مدت از زمان فوت آخرین مولف محاسبه می‌شود (مواد 49 تا ماده 57 قانون حمایت از مالکیت ادبی و فنی لبنان).

در رابطه با لزوم دایمی بودن مالکیت اتفاق نظر وجود ندارد. موافقین به: قاعده تسلط (محقق داماد، 1390، ج 2، ص 124)، اصل دائمی بودن مالکیت، غیر قابل انفکاک بودن مالکیت (هاشمی، 1396، ص 106-امامی، 1390، ج 1 ص 59)، و غیر قابل تقیید به زمان بودن (هاشمی، 1396، ص 107) استناد کرده‌اند.

در مقابل برخی معتقدند که مالکیت موقت مجاز است چرا که مالکیت یک امر اعتباری است و مانعی وجود ندارد عقلاً مالکیت موقت را هم اعتبار کنند. بنای عقلاً نیز دلالت بر تجویز مالکیت موقت دارد (بجنوردی، 1377، ج 4، ص 252). از اینها گذشته، در فقه نیز مصادیقی از مالکیت موقت مانند مهایات وجود دارد (هاشمی، 1396، صص 108-112). در مقام ارزیابی به نظر می‌رسد این قول قویتر است.

د- محدودیت مکانی

اصولاً مالکیت هر شخص در هر مکانی محترم است و فقط اموال برخی از اشخاص مانند کفار حربی به عنوان «فیء» مسلمانان شناخته شده است (شهید ثانی، 1410، ج 5، ص 53). احترام به مال مسلمین و شهروندان در فقه در قالب یک قاعده (احترام مال مردم) بروز و ظهور دارد. یعنی مال آنها مصون از تعدی است و تجاوز نسبت به مال آنها جایز نیست و در فرض تجاوز، متجاوز ضامن است (محقق داماد، 1390، ج 1، ص 213). مستند اصلی قاعده احترام مال مردم، بنای عقلاً است و این قاعده قبل از اسلام هم وجود داشته است و اسلام آن را تأسیس نکرده بلکه آن را امضاء کرده است (همان، صص 213-220).

در رابطه با حقوق مادی ناشی از آثار فکری، حمایت قانون‌گذار مقید به رعایت شرط مکانی شده است که از آن به محدودیت مکانی حمایت از این آثار یاد می‌شود. به بیان دیگر، در حقوق ایران حمایت قانونی از مالکیت فکری در محدوده مکانی خاص قابل حمایت است (ماده 22 قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان، ماده 16 قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای، بند الف ماده 15 و بند الف ماده 28 قانون ثبت اختراعات).

از آنجا که ممکن است در عمل از این مقررات سوء استفاده شود و غباری بر چهره عدالت نشیند، باید راهکاری ارائه کرد تا عدالت و نظم مصون از تعرض بمانند. بر این بنیاد، به عنوان یک راهکار می‌توان گفت:

شخصی که از این مقررات (محدودیت مکانی حقوق مادی صاحب اثر فکری) سوء استفاده می‌کند، می‌توان بر حسب مورد طبق اصل 40 قانون اساسی و ملاک ماده 132 قانون مدنی و قواعد عام مسئولیت مدنی، او را محکوم به جبران خسارت کرد. این راهکار با فقه اسلامی نیز سازگار است (قاعده احترام، لاضرر و...) همچنین اگر شرایط دعوای استفاده بلاجهت موجود باشد، تحت این عنوان می‌توان علیه شخص اقامه دعوا کرد¹.

۴/۲. اوصاف حقوق معنوی

پاره‌ای از حقوق وجود دارند که مربوط به شخصیت معنوی و اخلاقی انسانها است. این حقوق مورد حمایت عمومی و سیاسی هستند و در واقع مربوط به جسم انسان نیستند. شخصیت فکری انسان نیز به عنوان مصداقی از حقوق مربوط به شخصیت، مورد حمایت است و بر این بنیاد، برای صاحب اثر فکری حق معنوی شناخته شده است.

حق معنوی در قوانین ایران تعریف نشده و به اعتقاد برخی اساتید، بر اساس مقررات پراکنده و با بهره‌گیری از حقوق تطبیقی، این حقوق شامل: حق اخذ تصمیم در باره انتشار (حق افشاء)، حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده و حق حرمت اثر است (صفایی، 1395، صص 266-267).

علمای حقوق در رابطه با ویژگی‌های حقوق مربوط به شخصیت، اعم از شخصیت جسمی و معنوی، مواردی را بر شمرده‌اند: نخست این که به وراثت شخص منتقل نمی‌شوند و با پایان یافتن شخصیت حقوقی انسان، از بین می‌روند.

دوم، این حقوق قابل توقیف از سوی طلبکاران نیستند. سوم، مرور زمان نسبت به این حقوق جاری نمی‌شود و چهارم، اصولاً این حقوق نمی‌توانند موضوع قرارداد واقع شوند و

1 برای مطالعه شرایط دعوای استفاده بلاجهت، ر.ک: کاتوزیان، 1392، ج 2، صص 407-424 - رحیمی، 1388، صص 143-263.

قابل نقل و انتقال نیستند هرچند استثنائاتی نیز در این موارد وجود دارد (صفایی و رحیمی، 1398، صص 27-30). از آنجا که حقوق معنوی مولف، از جمله حقوق مربوط به شخصیت است، لازم است از دیدگاه اوصاف حقوق مربوط به شخصیت بررسی شود تا موارد مطابق این اوصاف و استثناهای آن روشن شود. بر این بنیاد، اوصاف حقوق معنوی مولف را بر می‌شماریم:

الف - غیرقابل انتقال بودن حقوق معنوی

حق معنوی صاحب اثر فکری، مطابق ماده 4 قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان و ماده 4 آیین نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای، غیرقابل انتقال است. یعنی انتقال این حق به موجب قرارداد جایز نیست. طبیعت و هدف این حقوق اقتضاء می‌کند که مانند سایر حقوق مرتبط به شخصیت غیرقابل نقل و خارج از قلمرو داد و ستد باشد. بدین سان، حقوق معنوی مولف از این جهت مطابق قاعده غیرقابل انتقال بودن حقوق مربوط به شخصیت است. از آنجا که این حقوق قابلیت انتقال ندارند، از طرف طلبکاران نیز قابل توقیف و فروش نیستند و وابستگی این حقوق به شخصیت صاحب اثر فکری مانع از این است که اصولاً این حقوق موضوع معامله قرار گیرند. با وجود این، در رابطه با انتقال این حقوق از طریق وصیت و ارث در حقوق ایران ابهام وجود دارد:

از منظر تطبیقی، در حقوق فرانسه (ماده 19 قانون 1957) آمده که؛ حقوق معنوی پدید آورنده پس از مرگ او به کسی که به موجب وصیت برای اعمال این حقوق و در واقع برای حفظ حرمت پدیدآورنده و اثر او تعیین شده است منتقل می‌گردد و در صورتی که کسی به موجب وصیت تعیین نشده باشد این حقوق به ورثه پدیدآورنده منتقل می‌شود (صفایی، 1386، ص 87). در ماده 53 قانون حمایت مالکیت ادبی و فنی لبنان نیز ذکر شده است که مولف و صاحبان فن از تمام حقوق معنوی برخوردار هستند و این حق به طور ابدی مقرر

شده است و با مرور زمان منقضی نمی‌شود. حقوق معنوی به اشخاص دیگر از طریق وصیت و ارث منتقل می‌شوند. ماده 22 این قانون نیز انتقال از طریق وصیت و ارث را به طور حصری دانسته و اصل را بر عدم جواز تصرف در حقوق معنوی گذاشته است!¹

در حقوق ایران نصی در این خصوص دیده نمی‌شود. ظاهر ماده 4 قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان و ماده 4 آیین نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای دلالت بر این دارد که این حقوق از طریق وصیت و ارث نیز قابلیت انتقال ندارد. عموم و اطلاق زمانی این مواد نیز موید این نظر است. با وجود این، به نظر می‌رسد با توجه به دلایل زیر باید از این ظاهر دست کشید و انتقال این حقوق را از طریق وصیت و ارث پذیرفت:

- نخست، حمایت از شخصیت پدیدآورنده فقط مربوط به زمان حیات وی نیست و حمایت از شخصیت پدیدآورنده مقتضی است که حقوق معنوی او بعد از مرگ به وسیله کسانی که قائم مقام او هستند، اعمال گردد (صفایی، 1386، ص 87).

- دوم این که، همچنان که از برخی نقل شده است؛ لطمه به شخصیت و حیثیت ادبی، علمی و هنری شخص بعد از فوت او، لطمه به شخصیت بازماندگان وی نیز به شمار می‌آید. چگونه است که حقوق مادی پدیدآورنده - که در مقابل حقوق معنوی و شخصیت انسانی وی کم اهمیت است - پس از مرگ او می‌تواند توسط بازماندگان استیفاء شود، ولی حقوق معنوی (برای مثال، جلوگیری از تحریف در آثار) بعد از مرگ پدیدآورنده قابل پیشگیری نباشد (حضرتی شاهین دژ، 1389، صص 73-74).

- سوم، ماده 4 مذکور، حقوق معنوی را محدود به زمان ندانسته است، بنابراین، حقوق معنوی نباید با فوت پدیدآورنده از میان برود (صفایی، 1386، ص 87). شایان ذکر است

1 برای مطالعه بیشتر در حقوق لبنان، ر.ک: مغیب، 2008، ص 239 به بعد.

منظور از غیرقابل انتقال بودن حقوق معنوی حق مؤلف، این است که ورثه یا منتقل الیه حق تغییر نام مؤلف را ندارند و بعد از پایان حق مادی، حق معنوی همچنان باقی است (حضرتی شاهین دژ، 1389، ص 75).

شایان ذکر است که چون ورثه ادامه دهنده شخصیت و حافظ احترام پدیدآورنده هستند بعضی از حقوق معنوی پدیدآورنده که به ایشان منتقل می‌شود، رنگ دیگری مییابد و اختیارات مربوط به آن حق، از آنچه که خود پدیدآورنده داشته محدودتر است (صفایی، 1386، ص 87). به همین دلیل از پلانپول، ریپر و پیکار نقل شده است: «اگر ورثه دارای حق ولایت بر اثر و حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده و اثر هستند، حق انتشار آنان مطلق نیست و آنان نمی‌توانند اثری را که پدیدآورنده میخواست مکتوم بدارد انتشار دهند، همچنانکه نمی‌توانند از انتشار اثری که پدیدآورنده اراده کرده جلوگیری نمایند» (همان، صص 87-88).

برخی دیگر از بزرگان نیز معتقدند: «حق معنوی که مربوط به شخصیت مؤلف است بدون شک این حق مشروع است و حکم بر عدم مشروعیت آن نیاز به دلیل دارد، از جمله احکام حق، انتقال قهری آن به وارث است در صورت فوت صاحب حق، چنانچه در انتقال قهری حق شک کنیم، یعنی در این شک کنیم که پس از وفات متوفی، حقوق او به ورثه اش منتقل می‌شود یا خیر؟ در این صورت اگر دلیل خاص یا عامی وجود داشته باشد که بطور مطابقی یا تضمینی و یا التزامی بر قابلیت حق برای انتقال دلالت کند، بدون تردید باید به انتقال حق به ورثه حکم کرد. در غیر این صورت مقتضای اصل، عدم انتقال به ورثه خواهد بود.» (گرچی، 1371، ص 33).

به نظر می‌رسد، منطبق حقوقی نیز مقتضی است که حق «انتساب اثر» به پدیدآورنده آن از حق «تغییر و توسعه اثر»، تفکیک شود، اولی بدون شک متعلق به اشخاص حقیقی صاحب علم، فکر، ذوق و استعداد است و هرگونه قرارداد یا حکم قانونی دائر به انتقال آن به شرکت،

ناموجه و برخلاف این منطق است. با وجود این، در رابطه با حقوق دیگر مثل حق تغییر اثر، اصولاً این حق، حداقل در موضوعاتی مانند نرم افزار یا طرح و نقشه، به موجب قانون یا قرارداد قابل واگذاری است (صادقی نشاط، ۱۳۷۶، ص ۱۰۱). جمع بین ماده ۴ و ماده ۱۹ قانون حمایت مولفان، مصنفان و هنرمندان هم موید این نظر است.

ب - محدود نبودن حق معنوی به زمان و مکان

به موجب نظام حق مؤلف، حقوق معنوی محدود به زمان و مکان نیست و نمی تواند مورد مبادله قرار گیرد (ماده ۶ قانون ۱۹۵۷ فرانسه) همین حکم توسط قانون ایران نیز مطابق ماده ۴ قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان پذیرفته شده است: «حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است» همچنین ماده ۱ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای و ماده ۲ آیین نامه اجرایی قانون مزبور نیز به نامحدود بودن حقوق معنوی اشاره کرده است. ماده ۵۳ قانون حمایت مالکیت ادبی و فنی لبنان نیز ذیل فصل ۹ تحت عنوان مدت حمایت، مانند قانون گذار ما، این حق را ابدی دانسته است.

مستفاد از قوانینی که برخاسته از سنت حقوق روم است نیز اگر برای حمایت از حقوق معنوی مدت خاصی معین نشده باشد، هیچ گونه محدودیتی در رابطه با استمرار حقوق معنوی وجود ندارد (گرباود، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴). به بیان دیگر، نسبت به زمان و مکان، حمایت از حقوق معنوی مطلق است و دارای اطلاق زمانی و احوالی است.

بنابراین، حقوق معنوی، دائمی است^۱ و با مرور زمان ساقط نمی شود؛ زیرا مرور زمان مختص اموال و حقوق مالی است نه حقوق مربوط به شخصیت. همچنین این حق، محدود

۱ به حقی که بدون مدت است، حق دایم میگویند مانند حق مالکیت عین. حقی که مدت دار باشد، حق موقت است (لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۷۷).

به مکان نیست، یعنی محل اقامت پدیدآورنده یا محل انتشار و عرضه اثر و هر عامل مکان دیگر در آن بی تأثیر است. در نتیجه، قانون ایران از اثرهائی نیز که برای نخستین بار در ایران منتشر نشده باشند، از نظر حقوق معنوی حمایت می‌کند و به اشخاص اجازه نمیدهد که به حقوق معنوی پدیدآورندگان این آثار تجاوز کنند. بنا براین، حقی که قابل اسقاط و نقل و انتقال نباشد، مانند حق معنوی صاحب اثر فکری، باید آن را حکم تلقی کرد.

نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش این مقاله به شرح زیر است:

۱. سبب اختلاف تعریف محققان از مالکیت فکری یا مسکوت گذاشتن تعریف آن در قوانین، به دلیل ماهیت اثر فکری و تنوع مصادیق آن است. در تعاریف ارائه شده توسط محققان، نه به رابطه اعتباری عقلایی، که بیشتر معطوف به آثار مالکیت شده و در نتیجه به جنس تعریف و عناصر مال با دقت و ظرافت بذل توجه نشده است. هرچند، تعاریف مذکور بخشی از حقیقت را به همراه دارند و در بسیاری از موارد وجه اشتراک دارند.
۲. برای شناخت بیشتر مالکیت فکری، لازم است که عناصر عمومی سازنده آن از عناصر اختصاصی آن جدا شود و هر کدام احصا شود.
۳. تقسیم بندی مالکیت فکری به مالکیت ادبی و مالکیت صنعتی جامع نیست و طرح مالکیت تجاری به عنوان قسیم این موارد، نشان از جامع نبودن تقسیم بندی است. تقسیم بندی مستلزم توسعه و بررسی مصداقی است.
۴. در قوانین ایران، مدت حمایت از مالکیت ادبی و هنری در کلیه موارد، موقت است و در رابطه با دائمی بودن مالکیت نص قانونی وجود ندارد. از آنجا که طبیعت حق مالکیت با موقتی بودن منافات دارد و از سوی دیگر، با فوت مالک، این حق به وراث او می‌رسد، نشانگر دائمی بودن مالکیت است اگرچه اتفاق نظری وجود ندارد. موافقین به: قاعده تسلیط، اصل دائمی بودن مالکیت، غیر قابل انفکاک بودن مالکیت و غیر قابل تقيید به زمان بودن استناد کرده اند. در مقابل برخی، مالکیت موقت را مجاز قلمداد می‌کنند چرا که مالکیت یک امر اعتباری است و مانع عقلی و عقلایی در تلقی موقت از مالکیت وجود ندارد ضمن اینکه در فقه نیز مصادیقی از مالکیت موقت مانند مہایات وجود دارد.
۵. در رابطه با حقوق مادی ناشی از آثار فکری، حمایت قانون‌گذار مقید به رعایت شرط مکانی شده است که از آن به محدودیت مکانی حمایت از این آثار یاد می‌شود. از آنجا که

این شرط و محدودیت ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد و با عدالت و نظم نیز سازگار نیست با تمسک به اصل 40 قانون اساسی و ملاک ماده 132 قانون مدنی و قواعد عام مسئولیت مدنی، او را محکوم به جبران خسارت کرد. این راهکار با فقه اسلامی نیز سازگار است (قاعده احترام، لاضرر و...) همچنین اگر شرایط دعوای استفاده بلاجهت موجود باشد، تحت این عنوان می‌توان علیه شخص اقامه دعوا کرد

6. حق معنوی صاحب اثر فکری، مطابق برخی قوانین (قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان و آیین نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای)، غیرقابل انتقال است. یعنی انتقال این حق به موجب قرارداد جایز نیست. ظاهر این قوانین دلالت بر این دارد که این حقوق از طریق وصیت و ارث نیز قابلیت انتقال ندارد در حالیکه در حقوق دیگر نظامات مانند: فرانسه (ماده 19 قانون 1957) و لبنان (ماده 53 قانون حمایت مالکیت ادبی و فنی) این حقوق از طریق وصیت و ارث منتقل می‌شوند. در حقوق ایران نصی در این خصوص دیده نمی‌شود. لذا اگر چه حقوق معنوی مولف مطابق قاعده غیرقابل انتقال بودن حقوق مربوط به شخصیت است، با وجود این، به نظر می‌رسد در نظام حقوقی ایران هم باید انتقال این حقوق را از طریق وصیت و ارث پذیرفت. منطق حقوقی نیز مقتضی است که حق «انتساب اثر» به پدیدآورنده آن از حق «تغییر و توسعه اثر»، تفکیک شود، اولی متعلق به اشخاص حقیقی صاحب علم، فکر، ذوق و استعداد است و دومی به موجب قانون یا قرارداد قابل واگذاری خواهد بود.

7. نظام قانون گذاری ایران (قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان) و سایر نظامات حقوقی مثل: فرانسه و لبنان، حقوق معنوی پدیدآورنده را محدود به زمان و مکان ندانسته و با تأکید به دائمی بودن و استمرار، غیرقابل انتقال عنوان نموده اندکه با مرور زمان ساقط نمی‌شود. این تأکید بر غیر قابل انتقال و اسقاط بودن، ظهور در حکم بودن دارد چرا که از خصیصه حق بودن خارج می‌شود.

فهرست منابع

- ۱- اصغری آقمشهدی، فخرالدین (1391)، درآمدی بر حقوق مالکیت فکری، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران، چاپ اول.
- ۲- امامی، اسدالله (1386)، حقوق مالکیت معنوی، تهران: میزان، جلد 1، چاپ اول.
- ۳- امامی، اسدالله (1396)، حقوق مالکیت صنعتی، تهران: میزان، جلد 2، چاپ دوم.
- ۴- امامی، سید حسن (1390)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی، جلد 1، چاپ سی و دوم.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (1387)، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ یازدهم.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (1388)، حقوق اموال، تهران: گنج دانش، چاپ ششم.
- ۷- حکمت نیا، محمود (1387)، مبانی مالکیت فکری، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- ۸- حضرتی شاهین دژ، صمد (1389)، مهاباد: نشر دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- ۹- خدمتگزار، محسن (1390)، فلسفه مالکیت فکری، تهران: میزان، چاپ اول.
- ۱۰- ذاکریان، حسن (1381)، درآمدی بر حمایت از اختراعات بیوتکنولوژی، تهران: میرعماد، چاپ اول.
- ۱۱- رحیمی، حبیب‌الله (1388)، استفاده بلاجهت (مطالعه تطبیقی)، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- ۱۲- زرکلام، ستار (1393)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران: سمت، چاپ چهارم.
- ۱۳- شمس، عبدالحمید (1382)، حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی، تهران: سمت، چاپ اول.
- ۱۴- شبیری، سیدحسن (1387)، مبانی نظری و فقهی حقوق مالکیت فکری، پایان نامه دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۱۵- صفایی، سیدحسن (1386)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: میزان، چاپ دوم.

- ۱۶- صفایی، سیدحسن (1395)، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اشخاص و اموال، تهران: میزان، چاپ بیست و دوم
- ۱۷- صفایی، سیدحسن و رحیمی، حبیب الله (1398)، حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، تهران: سمت، چاپ بیست و ششم.
- ۱۸- صادقی نشاط، امیر (1376)، حمایت از حقوق پدیدآوردگان نرم افزارهای رایانه‌ای، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر، (1393)، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، جلد 1، چاپ هفتم.
- ۲۰- کاتوزیان، ناصر، (1398)، دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ اموال و مالکیت، تهران میزان، چاپ پنجاه و یکم.
- ۲۱- کاتوزیان، ناصر، (1392)، الزامهای خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، جلد 2، چاپ یازدهم.
- ۲۲- گریاود (1380)، الفبای حقوق پدیدآورنده (کپی رایت)، ترجمه: غلامرضا لایقی، تهران: موسسه خانه کتاب، چاپ اول.
- ۲۳- محقق داماد، سید مصطفی (1390)، قواعد فقه؛ بخش مدنی (مالکیت، مسئولیت)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، جلد 1، چاپ سی و سوم.
- ۲۴- محقق داماد، سیدمصطفی (1390)، قواعد فقه؛ بخش مدنی (2)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، جلد 2، چاپ یازدهم.
- ۲۵- میرحسینی، سیدحسن (1384)، مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران: میزان، چاپ دوم
- ۲۶- نوروزی، علیرضا (1381)، حقوق مالکیت فکری، تهران: نشر چاپار، چاپ
- ۲۷- أبوبکر، محمد خلیل یوسف (1429ق)، حق المؤلف فی القانون، بیروت: الموسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع، چاپ اول.
- ۲۸- ابوالیزید محمد عبدالله، عصام، (بی‌تا)، حقوق الملکیه الفکریه ه فی علوم الحدیث، جامعه الازهر - فرع المنوفیه.

- ۲۹- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷ش)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی، جلد ۴، چاپ اول.
- ۳۰- خویی، سید ابوالقاسم موسوی، (بی‌تا)، المکاسب- مصباح الفقاهة، مقرر: محمد علی توحیدی، ب یجا: بی‌تا، جلد ۲، بی‌جا.
- ۳۱- زین الدین، صلاح (۲۰۱۱م)، المدخل الی المملکیه الفکریه، عمان: دارالثقافه، چاپ سوم.
- ۳۲- سنهوری، عبدالرزاق احمد، (بی‌تا)، الوسیط فی شرح القانون المدنی، بیروت- لبنان: دار احیاء التراث العربی، جلد ۸، ب یجا.
- ۳۳- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شارح: سید محمد کلانتر، قم: کتابفروشی داوری، جلد ۵، چاپ اول
- ۳۴- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، القواعد (مائه قاعده فقهیه)، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم.
- ۳۵- مغرب، نعیم (۲۰۰۸م)، المملکیه الادبیة و الفنیة و الحقوق المجاوره، بیروت - لبنان، منشورات الحلبي الحقوقیه، چاپ دوم.
- ۳۶- زراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق)، عوائد الايام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، یک مجلد، چاپ اول.
- ۳۷- امامی، نورالدین (۱۳۷۱)، مقاله حقوق مالکیت فکری، فصلنامه رهنمون، نشریه مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳.
- ۳۸- کریمی، عباس و موسوی، أسماء، (۱۳۹۰)، بیع اموال فکری از منظر حقوق اسلامی، مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، دوره ۴۴، شماره ۲، صفحات ۵۳-۷۳.
- ۳۹- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، مقاله «حقوق معنوی و حکم آن» خبرنامه انفورماتیک، سال ۷، ش ۳ و ۴
- ۴۰- مرادی، حسن (۱۳۷۷)، مقاله نکاتی در خصوص حقوق مالکیت معنوی (فکری)، مجله دیدگاههای حقوقی، شماره ۱۰ و ۱۱.

- ۴۱- محمودی، اصغر (1391)، مقاله ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آنها در حقوق اموال، فصلنامه دانش پژوهشی حقوق مدنی، شماره سوم .
- ۴۲- هاشمی، سیداحمد علی (1396)، نگاهی دوباره به شرط دوام در مالکیت، مجله دانش حقوق و مالیه، سال اول، شماره 1، صفحات 99 تا 119